

تحلیل نقش مؤلفه‌های توسعه انسانی در بهبود وضعیت فقر و توزیع درآمد از دیدگاه اسلامی (مطالعه موردی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی)

دکتر محمدمهدی عسگری*

حسین میبسمی**

چکیده

مروری اجمالی بر آیات و روایات اقتصادی به روشنی نشان می‌دهد که برقراری عدالت، برطرف کردن فقر و کاهش نابرابری در اجتماع، از اهداف اسلام و اقتصاد اسلامی است. از طرف دیگر تأکید اسلام بر ضرورت علم‌آموزی و مباحث مرتبط با سلامت و بهداشت، بیانگر توجه این شریعت الهی به مباحثی است که امروزه از آن به عنوان سرمایه انسانی یاد می‌شود. بنابراین، ضروری است که دولت‌های اسلامی از این تعالیم درس گرفته و تدابیری برگزینند که به تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی انجامیده و در نتیجه فقر و نابرابری را کاهش دهد.

این مقاله ضمن بررسی متون اسلامی در رابطه با فقر، نابرابری و مؤلفه‌های سرمایه انسانی، به این نتیجه می‌رسد که دین اسلام به تقویت این مؤلفه‌ها در بین مسلمانان توجه زیادی نموده است. پیروی از این دستورها امکان دستیابی به رشدی همه‌جانبه را برای کشورهای اسلامی فراهم می‌کند که مسلماً یکی از جنبه‌های مهم آن بعد اقتصادی است. اما در بخش تجربی، با استفاده از اطلاعات کشورهای اسلامی و با استفاده از روش حداقل مربعات در یک رگرسیون خطی چندمتغیره، به بررسی تجربی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی می‌پردازد. نتایج این مدل نشان می‌دهد که همان‌طور که انتظار می‌رفت، تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی اثر دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه انسانی، فقر، نابرابری، کشورهای اسلامی

طبقه‌بندی JEL: O12, O15, O50

Email: m.askari@isu.ac.ir

Email: meisami@isu.ac.ir

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۴ تاریخ تأیید: ۸۸/۹/۲۸

مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی، برقراری عدالت است. در واقع، تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی، هدف اساسی دولت‌های اسلامی به حساب آمده و به عنوان شاخص فعالیت‌های جامعه اسلامی به شمار می‌رود. همچنین، روشن است که یکی از شاخص‌های عدالت اقتصادی - اجتماعی، وضعیت توزیع درآمد و فقر است؛ بنابراین، نمی‌توان در حوزه اقتصاد اسلامی تئوری پردازی نمود، اما به مباحث مرتبط با فقر و نابرابری توجهی نداشت. از طرف دیگر، تأکید اسلام بر ضرورت علم‌آموزی، آموزش، تحصیل، درآمدزایی و مباحث مربوط به سلامت و بهداشت، بیانگر توجه این شریعت الهی به مباحثی است که امروزه از آن به سرمایه انسانی یاد می‌شود. بنابراین، ضروری است که دولت‌های اسلامی تدابیری برگزینند که باعث تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش و سلامت شود و در نتیجه، به کاهش فقر و نابرابری کمک کند.

مروری بر ادبیات توسعه نیز به روشنی نشان می‌دهد که از اهداف مهم توسعه اقتصادی، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد است. یکی از راه‌های دستیابی به این دو مهم، بهبود مؤلفه‌های سرمایه انسانی، از جمله سلامت و آموزش است. دلیل این امر آن است که این دو حوزه در فرآیند توسعه، جایگاه بسیار مهمی دارند و تقویتشان به توسعه پایدار کمک زیادی می‌کند. تقویت سلامت و تحصیلات افراد، نه تنها به طور ذاتی ارزش دارد؛ بلکه به دلیل تأثیرهایی که در تقویت بهره‌وری دارد، مطلوب است؛ به عبارت دیگر، سلامت و آموزش بهتر، باعث تقویت بهره‌وری می‌شود و تقویت بهره‌وری نیز منجر به بالا رفتن درآمد فرد شده و در نتیجه، فرد را از فقر نجات می‌دهد. عواملی، مانند سلامت (شامل تغذیه، بهداشت و غیره) و آموزش، که زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده و در آینده منافع ایجاد می‌کند، به اصطلاح «مؤلفه‌های سرمایه انسانی» می‌نامند. باید توجه شود که این عوامل را می‌توان به عنوان کالاهایی معمولی^۱ و قابل مصرف^۲ در نظر گرفت. بدین معنا که هر چه درآمد فرد بیشتر باشد، تقاضایش برای مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش بیشتر خواهد بود.

این مقاله در دو بخش نظری و تجربی تدوین شده است. در بخش نظری، با بررسی متون اسلامی در رابطه با فقر، نابرابری و برخی از مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند

1. normal goods
2. consumable

آموزش و سلامت، به این نتیجه می‌رسیم که شریعت اسلام به مباحث سرمایه انسانی توجه زیادی نموده است. در واقع، احادیث بسیاری که در مذمت فقر و نابرابری اجتماعی وارد شده است و همچنین روایاتی که در مورد علم‌آموزی و دستورات بهداشتی بیان شده، همگی نشانگر اهمیت این مباحث در اسلام است. سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز شاهدی گویا بر این ادعاست. بنابراین، به نظر می‌رسد که اگر کشورهای اسلامی به مسائل سرمایه انسانی توجه کنند، می‌توانند بسیاری از مشکلاتی را که در حوزه فقر و نابرابری دارند، حل نمایند؛ اما اگر نگاهی به وضعیت این موارد در کشورهای اسلامی داشته باشیم، سریع متوجه می‌شویم، آنچه که امروزه در کشورهای اسلامی وجود دارد، با آنچه که در متون اسلامی در مورد فقر و نابرابری و همچنین آموزش و سلامت مطرح شده، فاصله زیادی دارد. واقعیت آن است که بیشتر کشورهای اسلامی، جزء کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند و بررسی آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد که فقر و نابرابری در این کشورها، بالا و شاخص‌های سرمایه انسانی پایین است. با توجه به مطالب بیان شده، سؤالی که مطرح می‌شود، این است که برای بهبود وضع موجود چه کاری می‌توان انجام داد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که باید اقدام‌های مختلفی برای اصلاح وضع موجود انجام شود. یکی از این اقدام‌ها، بهبود سرمایه انسانی است. در واقع، تقویت مؤلفه‌هایی، مانند آموزش و سلامت، یکی از مواردی است که می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی کمک کند. برای اثبات این ادعا، لازم است که تأثیر مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری مورد بررسی قرار گیرد، که در بخش تجربی مقاله به وسیله مدل‌سنجی انجام می‌شود. در حقیقت، با استفاده از اطلاعات کشورهای اسلامی و روش حداقل مربعات در یک رگرسیون خطی چندمتغیره، تأثیر مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های این مدل، همان‌طور که انتظار داشتیم، نشانگر اثر داشتن تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی است. نتایج این بررسی، توصیه‌هایی به دولت‌های این دسته از کشورها (که عموماً از کشورهای در حال توسعه‌اند) ارائه خواهد کرد؛ به نحوی که بتوانند در راستای کاهش فقر و نابرابری درآمدی و دستیابی به عدالت، حرکت کنند که خود از مهم‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی است.

این مقاله در هفت بخش تدوین شده است. پس از این مقدمه که قسمت اول مقاله را تشکیل می‌دهد، در قسمت دوم آیات و روایاتی که در مورد فقر، نابرابری، آموزش، سلامت و بهداشت مطرح شده، به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت سوم، مروری بر ادبیاتی می‌شود که در رابطه با مؤلفه‌های سرمایه انسانی، فقر و نابرابری وجود دارد. در قسمت بعد، مدلی آماری ارائه می‌گردد و در قسمت پنجم، مدل ارائه شده با استفاده از اطلاعات موجود تخمین زده می‌شود. قسمت ششم، یافته‌های پژوهش را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً در قسمت هفتم، نتیجه‌گیری کلی انجام شده و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

بخش دوم: فقر، نابرابری در آمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی در اسلام

در این قسمت، آیات و روایات مطرح شده در مورد، نابرابری، اهمیت علم‌آموزی و در نهایت، سلامت و بهداشت - که خود از مؤلفه‌های اسلامی سرمایه انسانی می‌باشد - به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، سعی می‌شود از نظرهای متفکران حوزه اقتصاد اسلامی نیز استفاده شود.

۱. نابرابری، فقر و رشد اقتصادی در متون دینی و در دیدگاه متفکران اسلامی

اسلام بر عدالت‌خواهی، برطرف کردن فقر و کاهش نابرابری، به عنوان اهداف مهم دینی تأکید می‌کند. در تعالیم دینی، هدف ارسال انبیا قیام به قسط معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ؛ همانا پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا مردمان بر اساس عدالت زندگی کنند» (حدید، ۲۵). بنابراین، یکی از اهداف تشریح دین، تحقق عدالت در جامعه است. تحقق عدالت و برطرف کردن فقر، هدفی است که حکومت‌های دینی باید دنبال کنند؛ اما سؤال این است که آیا اسلام افزایش رفاه گروهی را به قیمت کاهش سطح زندگی عده‌ای دیگر مجاز می‌داند؟ از دیدگاه اقتصاد اسلامی، کاهش فقر و توزیع مناسب و عادلانه درآمد، یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. به همین منظور، ایجاد عدالت توزیعی در جامعه، به عنوان یکی از راهکارهای مهم رسیدن به عدالت اجتماعی در این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی ادبیات اسلامی و متون روایی نشان می‌دهد که در رابطه با فقر و نابرابری، روایات زیادی نقل شده است، که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم. امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل کرده‌اند که: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ نزدیک است که فقر به کفر بینجامد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۱۷)؛ در حدیث دیگری پیامبر (ص) می‌فرماید: «الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ؛ فقر سخت‌تر از قتل است» (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۴۷، ص ۷۲)؛ امیرالمؤمنین، علی (ع) فرمودند: «الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ؛ به راستی که قبر از فقر بهتر است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۱)؛ «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ؛ فقر مرگ بزرگ است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۶۵، ص ۵۰۱)؛ «الْفَقْرُ يُنْسِي؛ فقر فراموشی می‌آورد» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ص ۳۵۵)؛ «إِنَّ الْفَقْرَ مَدْلَةٌ لِلنَّفْسِ؛ فقر موجب خواری نفس انسان می‌شود» (همان، ص ۳۷۷)؛ «فَإِنَّ الْفَقْرَ مَقْصَصَةٌ لِلدِّينِ وَ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ همانا فقر دین انسان را ناقص می‌کند، عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است» (نهج‌البلاغه، ص ۵۷۸). بعضی از روایات نیز بر ضرورت توجه اغنیا به فقرا تأکید می‌کند. مثلاً امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفَضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهَوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتُكْتَزَوْهَ؛ اموال زیادی را که خداوند به شما داده، برای این است که در آن جهت و راهی که خداوند خواسته به کار برید و نداده است که گنج و انباشته کنید» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۲).

با توجه به آنچه که مطرح شد، می‌توان گفت که به‌طور کلی، فقر در دیدگاه اسلامی، پدیده‌ای مذموم است و دولت و تمامی افراد در یک کشور اسلامی وظیفه دارند که در راستای کاهش فقر حرکت کنند. البته هیچ‌یک از این موارد به معنی برابری انسان‌ها در دستیابی به امکانات نیست؛ بلکه در دیدگاه اسلامی، وجود تفاوت‌های منطقی و اختیاری، که ناشی از میزان استعداد و تلاش فرد است، مورد تأیید است. در واقع، میزان تلاش افراد مختلف در میزان بهره‌مندی آنان از منابع اثر دارد، زیرا کار، منشأ ایجاد حق برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است؛ یعنی حق بهره‌مندی و استیفا از مواهب الهی، در نتیجه کار است و حق استیفا و انجام تکلیف با هم تلازم دارد. رابطه غایی انسان با مواهب الهی سبب حق بالقوه انسان نسبت به مواهب الهی است که این حق با انجام تکلیف و وظیفه (کار)، فعلیت یافته و انسان می‌تواند از مواهب الهی بهره‌مند شود (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۹۱-۱۹۳).

در رابطه با عدالت و نابرابری نیز روایات زیادی وارد شده است که به چند مورد اشاره می‌کنیم. امام صادق (ع) می‌فرماید که امیرمؤمنان علی (ع) به عمر فرمود: «ثَلَاثٌ إِنْ

حفظتھنّ و عملت بہنّ، کفتک ما سواھنّ و إن ترکتھنّ لم ینفعک شیء سواھنّ. إقامة الحدود علی القرب و البعید، والحکم بکتاب اللّٰہ فی الرضا والسخط، والقسم بالعدل بین الأحمر والأسود؛ سه چیز است که اگر آنها را به خاطر بسپاری و عمل کنی، تو را از کارهای دیگر بی‌نیاز می‌کند و اگر آنها را فرو گذاری، چیزهای دیگر برای تو سودی ندارد؛ اجرای حدود الهی در حق خودی و بیگانه، حکم کردن از روی کتاب خدا در حالت خشنودی و خشم، و تقسیم کردن عادلانه میان سرخ و سیاه (همگان) «حرّ عاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۵۶». امام باقر(ع) می‌فرماید: «حقّهم علیہ ان یقسم بینہم بالسویّۃ، و یعدل فی الرعیّۃ؛ حقّ مردم بر امام این است که اموال را میان ایشان به تساوی تقسیم کند و عدالت را در جامعه جاری کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۱)؛ امام علی(ع) می‌فرماید: «و أعطیت کما کان رسول اللّٰہ(ص) یعطی بالسویّۃ و لم أجعلها دولة بین الأغنیاء؛ امکانات و اموالی را که به همه تعلق دارد، به‌طور مساوی بین همه تقسیم کردم؛ چنان که پیامبر(ص) این‌گونه عمل کرد و این اموال را مختص ثروتمندان قرار ندادم» (همان، ص ۶۰). همان‌گونه که از این احادیث برمی‌آید، از دیدگاه اسلام کاهش فقر و همچنین نابرابری‌های اقتصادی از عوامل مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به‌شمار می‌آیند و در صورت عدم وجود آنها دستیابی به رشد دشوار است. بنابراین، می‌توان دریافت که از این دیدگاه، دستیابی به عدالت توزیعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی مؤثر بوده و می‌تواند آن را تقویت کند.

توجه به این نکته ضروری است که در اسلام، وجود نابرابری و فقر در جامعه برای دولت و تمامی افراد تکلیف ایجاد می‌کند؛ بنابراین، اسلام پیروان خود را موظف کرده است که در راه تأمین نیازهای هم‌نوعان و برادران خود در حد امکان کوشش کنند و از بی‌تفاوتی و فرار از این تکلیف بپرهیزند؛ زیرا کمک به ناتوانان، نشانگر رشد و بلوغ فکری و اخلاقی افراد است و بی‌تفاوتی نسبت به نیازمندان، نشانه انحطاط اخلاقی جامعه و خیانت به دین، آیین و برادران دینی است (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱). دولت نیز در این زمینه مسئولیت دارد؛ زیرا دولت اسلامی جایگاه مهمی دارد و باید در فرآیند دستیابی به اهداف شرعی، مانند عدالت، نقش خود را ایفا کند. نقشی که دولت بر عهده دارد، تکمیل‌کننده نقشی است که افراد بر عهده دارند و در نهایت، نقش دولت، نقش افراد را تقویت می‌کند. پذیرش چنین دیدگاهی به فرآیند تلاش برای دستیابی به عدالت و کاهش نابرابری، کمک می‌کند (صدیقی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

بررسی دیدگاه متفکران اسلامی نیز نشان می‌دهد که به نظر آنها، رشد اقتصادی فقط از راه عدالت‌خواهی و کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی معنادار است. در این رابطه می‌توان به نظریات زیر اشاره کرد:

ابوالاعلی مودودی معتقد است که همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام است. محمد عمر چپرا، شوقی احمد دنیا و ابراهیم العسل نیز معتقدند که توسعه اقتصادی مورد تأیید دین در جوهر و ذات خویش، عدالت اقتصادی را دارد. از این لحاظ، اگر تولیدات جامعه افزایش یابد، اما سطح معیشتی شایسته‌ای برای همه افراد جامعه تحقق نیابد، از نظر دینی نمی‌توان گفت که پیشرفت و توسعه صورت گرفته است (احمد، ۱۳۷۴، ص ۲۳-۴۰).

اکرم خان نیز اعتقاد دارد که در اقتصاد اسلامی تأکیدات اصلی، نه بر رشد، بلکه بر عدالت توزیعی است. عریف بیان می‌کند که در چشم‌انداز توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، توسعه انسانی که زندگی شایسته برای همگان را در بر می‌گیرد، در کنار رشد اقتصادی دیده شده است. فریدی می‌گوید که توسعه باید توزیع دوباره منابع را در بر داشته باشد و راهبرد مورد انتظار بر مصرف، توزیع و توسعه متکی است (یوسفی، ۱۳۷۸، ص ۱۲-۱۵).

شهید آیت الله سید محمدباقر صدر معتقد است که اسلام به برطرف کردن فقر و کاهش نابرابری توجه ویژه‌ای کرده است. از دیدگاه شهید صدر، گرچه یکی از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه جامعه است؛ اما رشد اقتصادی، هدف اصلی و نهایی نیست. رشد اقتصادی ابزار و راهی برای رفاه عمومی همه افراد جامعه است و در چارچوب تفکر توزیعی دین معنادار است. شهید صدر بیان می‌دارد که گرچه رشد اقتصادی، هدفی از اهداف جامعه مسلمین است؛ اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، تأثیر رشد اقتصادی بر زندگی مردم است؛ رشد اقتصادی به مقدار و میزانی هدف اقتصادی است که بتواند در زندگی مردم نمایان شود. اگر جامعه، امکانات خویش را در خدمات اقتصادی قرار دهد و از جنبه توزیعی آن غافل شود، رشد اقتصادی به صورت یک بت مورد تقدیس قرار می‌گیرد و تولید، هدف نهایی می‌شود؛ در حالی که اسلام، رشد اقتصادی را صرفاً ابزاری برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی می‌داند (صدر، ۱۳۷۵، ص ۲۲-۴۵).

عمر چپرا معتقد است که به‌طور کلی و با توجه به پایبندی اسلام به برادری انسان‌ها و عدالت اجتماعی و اقتصادی، نابرابری‌های زیاد درآمد و ثروت کاملاً با روح اسلام مغایر است. چنین نابرابری‌هایی فقط می‌تواند احساس برادری را که اسلام خواستار آن است، از بین ببرد، به جای آنکه آن را رشد دهد. علاوه بر این، تمامی منابع و نعمت‌ها، اعطای خداوند به همه انسان‌هاست؛ بنابراین، دلیلی ندارد که در دست عده خاصی باقی بماند (چپرا، ۱۳۷۵، ص ۲۲).

به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که اسلام با توجه به ابزار دانستن رشد اقتصادی در مسیر دستیابی به عدالت، رشد همراه با نابرابری درآمدی را رد می‌کند. با توجه به این نوع نگرش، این شریعت آسمانی، راهکارهایی را معرفی می‌کند که در آن، علاوه بر هدف قرار دادن توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری و فقر، رشد اقتصادی نیز در نتیجه آن، حاصل خواهد شد.

بررسی ادبیات موجود در حوزه اقتصاد اسلامی و ارزیابی دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیز نشان می‌دهد که غالباً دستیابی به عدالت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، به عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و از آن به عنوان عاملی برای رشد و توسعه جوامع بشری نام برده شده است. به همین دلیل، اقتصاددانان مسلمان، هدف قرار دادن رشد اقتصادی را به هر قیمت، محکوم کرده و آن را به بیراهه رفتن می‌دانند. در واقع، کسانی که بحث درباره پدیده‌های رشد و توزیع را طرح کرده‌اند، خط بطلانی بر رشد منهای کاهش نابرابری کشیده و رشد را در چارچوب عدالت تبیین کرده‌اند.

۲. دانش و دانش‌آموزی در متون دینی

مراجعه به منابع اصیل اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که فرهنگ اسلامی، نه تنها با پیشبرد فکر و تکنولوژی در تعارض نیست؛ بلکه همانند آنچه در غرب اتفاق افتاده، می‌تواند بزرگ‌ترین و بالاترین نقش را در این زمینه ایفا کند. اسلام بر کسب دانش تأکید فراوان دارد و آن را فریضه و تکلیف الهی برای همگان^۱ و از هر نقطه ممکن^۲ قرار داده است و صرف نظر از نتایج مادی و اقتصادی، با دقت در آیات و روایات

۱. برای نمونه، پیامبر اکرم(ص): «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۷).

۲. برای نمونه، پیامبر اکرم(ص): «اطلبوا العلم و لو بالصدین» (همان).

می‌بینیم که رشد و تعالی علمی از نظر اسلام مطلوبیت ذاتی داشته و امری مقدس و ارزشمند است.

در سخنان پیشوایان معصوم، علم چراغ روشنگر عقل،^۱ سودمندترین گنج،^۲ گمشده فرد با ایمان،^۳ بهترین وسیله هدایت،^۴ سرچشمه تمام خوبی‌ها،^۵ باعث حیات اسلام،^۶ بهترین میراث پدران برای فرزندان^۷ و وسیله اطاعت و بندگی خداوند متعال و معرفت او^۸ معرفی شده است و کسب دانش به حدی مورد تأکید و تشویق اولیای الهی است که چهارمین امام معصوم، حضرت سجاد(ع) در این باره می‌فرماید: «ولو علمتم ما فی طلب العلم اطلبتموه و لو بسفک المهج و خوض الجح؛ اگر می‌دانستید با تحصیل دانش به چه سعادت‌هایی نائل می‌شوید، به دنبال آن می‌رفتید؛ هر چند خون شما در این راه ریخته شود یا مستلزم این باشد که به دریاها وارد شده، مسیر اقیانوس‌ها را بیمایید» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰۶).

بنابراین، افراد جامعه اسلامی و همچنین دولت‌ها در کشورهای اسلامی باید از این تعالیم الهی درس گرفته و سعی نمایند که در فراگیری و به‌کارگیری آخرین دستاوردهای علمی روز پیشتاز بوده و از این جهت، نیازمند و وابسته به بیگانگان نباشند؛ زیرا رشد علمی جامعه باعث پرورش نیروهای انسانی کارآمد و با کفایت می‌شود و با شکوفایی استعدادها و بروز ابتکارها، زمینه استفاده بهینه از منابع فیزیکی فراهم می‌آید و در نتیجه، پیمودن فرآیند رشد و توسعه اقتصادی جامعه تسریع خواهد شد. البته گسترش دانش در سطح جامعه و تربیت نیروهای دانشمند و متخصص، در صورتی پیشرفت اقتصادی مطلوب و مورد نظر اسلام را به دنبال دارد که دانش و تخصص همراه با تعهد، مسئولیت‌پذیری و فضایل اخلاقی و انسانی باشد؛ زیرا اگر

۱. امام علی(ع): «العلم مصباح العقل» (ری شهری، ۱۳۷۲، ج ۶، ح ۱۳۳۴۰).

۲. امام علی(ع): «لا کنز انفع من العلم» (همان، ح ۱۳۳۵۲).

۳. امام علی(ع): «العلم ضالة المؤمن» (همان، ح ۱۳۳۵۰).

۴. امام علی(ع): «العلم افضل هداية» (همان، ح ۱۳۳۴۳).

۵. پیامبر اکرم(ص): «العلم رأس الخیر کله والجهل رأس الشر کله» (همان، ح ۱۳۳۷۶).

۶. پیامبر اکرم(ص): «العلم حياة الاسلام و عماد الدين» (همان، ح ۲۸۶۶۱).

۷. امام صادق(ع): «ان خیر ما ورث الابیاء الادب لا المال فان المال یذهب والادب یبقى. قال مسعدة یعنی بالادب والعلم» (همان، ح ۱۳۳۳۴).

۸. امام صادق(ع): «... بالعلم یطاع الله و یعبده الله، بالعلم یعرف الله و یوحده» (همان، ح ۱۳۳۸۳).

دانش بشری با تعهد و اخلاق همراه نباشد، از مسیر انسانی خود خارج شده، به صورت ابزاری برای سلطه‌جویی، قدرت‌طلبی و تصاحب بیشتر منابع ثروت در می‌آید (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹-۲۵۰).

بر اساس متون دینی، یکی از اهداف دولت اسلامی، گسترش فرهنگ دینی، علم و دانایی است (حکیمی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۰، ۳۹-۴۱ و ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۵۲، ص ۳۲۸ و ۳۳۶). بنابراین، لازم است که دولت‌ها در کشورهای اسلامی برای تحقق این هدف، اقدام‌های متعددی، از جمله برپایی نظام آموزش عمومی برای ارتقای فرهنگ دینی، تصحیح روابط اجتماعی (حکیمی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹) و زمینه‌سازی برای برطرف کردن فقر (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۵۲، ص ۳۹۰) انجام دهند.

۳. بهداشت و سلامت در متون دینی

اسلام، دینی زنده و سازنده است که برای پیروان خود پیشرفت در تمام جنبه‌های حیات جسمی و روحی را می‌خواهد. در واقع، سلامتی یک نیاز فطری و ضامن بقای نسل آدمی است. از این‌رو، اسلام با حرام کردن بدی‌ها و پلیدی‌ها و حلال کردن پاکیزگی و پاکیزه‌ها، راه رسیدن به این هدف را فراهم کرده است. قرآن کریم، در آیات مختلفی به بحث طهارت توجه می‌کند و اطلاق این آیات نشان می‌دهد که هم طهارت جسمی و هم طهارت روحی مورد توجه است. مثلاً خداوند در آیه‌ای که امر به وضو، غسل و تیمم (طهارت و پاکیزگی) نموده، می‌فرماید: «خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمت خود را بر شما تمام کند تا نعمت‌های او را سپاس بگویید» (مائده، ۶). از این آیه می‌توان این واقعیت را استنباط کرد که تمام دستورهای الهی درباره طهارت و لزوم دوری از کثافت‌ها و نجس‌ها، برای حفظ و جلب منافع شخصی و اجتماعی مسلمانان است. خداوند اراده فرموده است تا با عمل به این دستورها هم پاکیزگی و طهارت روحی و هم سلامت جسمانی برای مردم فراهم شود. در واقع، قرآن هم به پاکیزگی جسمی و هم به پاکیزگی روحی توجه دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵).

دقت در تعالیم پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز به روشنی نشان می‌دهد که بهداشت فردی در زندگی این بزرگان نقش پررنگی داشته است. رسول خدا (ص)،

معمار این بنای استوار است که طی قرن‌ها در زمینه‌های گوناگون علمی و اخلاقی پیشروی جهان بوده است. توجه آن حضرت به مسائل بهداشتی، نشان‌دهنده آموزه‌های این اسوه حسنه برای ارتقای سلامت جامعه است. ایشان خطاب به همه مسلمانان می‌فرماید: «نظافت، جزئی از ایمان است» (قمی، [بی‌تا]، ج ۲، ح ۹). «به هر وسیله‌ای می‌توانید خود را پاکیزه کنید؛ زیرا خداوند اسلام را بر پایه پاکی و نظافت بنا نهاده است و داخل بهشت نمی‌شوند، مگر انسان‌های پاکیزه» (لهندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ح ۱۲). در احادیث معصومین نیز بر رعایت بهداشت تأکید شده است. امیر مؤمنان، علی (ع) می‌فرماید: «سلامتی بهترین نعمت‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ح ۷).

به‌طور کلی، می‌توان گفت که بدون شک احادیث مربوط به جنبه‌های گوناگون بهداشت فردی و محیط، در سیره پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین در موضوعاتی، مانند بهداشت دهان و دندان، بهداشت مو و ناخن، بهداشت لباس، به‌کار بردن بوی خوش، استحمام، بهداشت مواد غذایی و غذا خوردن، بهداشت آب، بهداشت مسکن و اماکن عمومی، ضرورت دفع مواد زاید و حفظ محیط زیست، خود دلایلی هستند که به روشنی اهتمام دین اسلام بر بهداشت فردی و جمعی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

بررسی فقر، نابرابری و مؤلفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی

تا این قسمت از مقاله، موضوع بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در کشورهای اسلامی مطرح شد. در واقع، تا اینجا فقط اهمیت و تأثیرهای مؤلفه‌های سرمایه انسانی در آیات و روایات بررسی شد. مشاهده گردید که دین اسلام به تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی در بین مسلمانان توجه زیادی نموده است. پیروی از این دستورات سبب دستیابی به رشدی همه‌جانبه خواهد شد و مسلماً یکی از این جنبه‌ها، بعد اقتصادی است، که یکی از جلوه‌های مهم آن، کاهش فقر و نابرابری در جامعه اسلامی می‌باشد.

اما اگر نگاهی به وضعیت این موارد در کشورهای در حال توسعه داشته باشیم، خیلی زود متوجه می‌شویم آنچه که امروزه در کشورهای اسلامی وجود دارد، با آنچه که در متون اسلامی در مورد فقر و نابرابری و همچنین آموزش و سلامت مطرح شده، فاصله زیادی دارد. واقعیت آن است که بیشتر کشورهای اسلامی جزء کشورهای در حال توسعه به حساب آمده و مروری بر آمارهای بین‌المللی به روشنی نشان می‌دهد که فقر و نابرابری در این کشورها بالا بوده و شاخص‌های سرمایه انسانی پایین است

(گزارش توسعه جهانی (WDR)، ۲۰۰۹). با توجه به آنچه که مطرح شد، سؤالی که پرسیده می‌شود، آن است که برای بهبود وضع موجود چه کاری می‌توان انجام داد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که اقدام‌های مختلفی باید برای اصلاح وضع موجود انجام شود. یکی از این اقدام‌ها، بهبود سرمایه انسانی است. در واقع، به نظر می‌رسد که تقویت مؤلفه‌هایی، مانند آموزش و سلامت، یکی از مواردی است که می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی کمک نماید. برای اثبات این ادعا لازم است که تأثیر مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، در ادامه برای این کار، مدل‌سنجی ارائه شده و تخمین می‌خورد. نتایج مدل اثبات می‌کند که تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی (همان‌طور که انتظار می‌رفت) باعث بهبود وضعیت فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی می‌شود. قبل از ارائه مدل، لازم است که مروری مختصر بر ادبیاتی داشته باشیم که در این رابطه (تأثیر مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری) وجود دارد.

بخش سوم: مروری مختصر بر ادبیات پژوهش در اقتصاد متعارف

با توجه به گستردگی ادبیات در این حوزه، در این قسمت سعی می‌شود که به صورتی مختصر مباحثی طرح شود. یکی از اجزای مهم سرمایه انسانی، آموزش است. در واقع، با تقویت آموزش می‌توان امیدوار بود که در بلندمدت مشکل فقر و نابرابری درآمدی تا حدودی کاهش یابد. در این باره، مینسر^۱ (۱۹۵۸، ص ۱۴-۲۱) و بکر^۲ (۱۹۶۲، ص ۱۰-۲۰) انتخاب خانوار در زمینه آموزش را دقیقاً شبیه دیگر انتخاب‌های خانوار از دیگر کالاها در نظر می‌گیرند، به این معنا که خانوار به گونه‌ای از این کالا (آموزش) انتخاب می‌کند که رفاهش زیاد شود.

لری^۳ (۱۹۸۱، ص ۱۱-۱۸) در تحقیق خود به این مشکل توجه می‌کند و مدلی ارائه می‌دهد که در آن سرمایه انسانی، تنها کالایی بین زمانی در نظر گرفته می‌شود. در اینجا هم خانوار به گونه‌ای از این کالا انتخاب می‌کند که رفاهش حداکثر شود.

بهرمن^۴ (۱۹۸۹، ص ۷-۱۵) به صورت تجربی اثبات می‌کند که موانعی در بازار اعتبارات آموزشی وجود دارد که باعث تفاوت در میزان آموزش افراد می‌شود. در واقع،

1. Mincer
2. Becker
3. Louny
4. Behrman

در دیدگاه وی، این بازار به صورت مطلوب فعالیت نمی‌کند و با پدیده شکست بازار روبه‌رو هستیم؛ بنابراین، دخالت دولت ضروری است.

لجنگویست^۱ (۱۹۹۳، ص ۴-۱۱) مدلی را ارائه می‌دهد که در آن، توسعه‌نیافتگی کشورها به دلیل ناکارآمدی در بازار سرمایه انسانی است. در واقع، در این تحقیق علت اینکه یک کشور با فقر، نابرابری و مشکلات دیگر اقتصادی روبه‌رو است، به خاطر مشکلاتی است که در زمینه سرمایه انسانی وجود دارد.

آزاریادیس و درازن^۲ (۱۹۹۰، ص ۸-۹) تلاش می‌کنند که دلایل پایداری توسعه‌نیافتگی در کشورهای در حال توسعه را توضیح دهند. آنها نشان می‌دهند که یک کشور می‌تواند حتی بدون سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به وضعیت مناسبی برسد؛ یعنی می‌تواند وضعیت فقر و نابرابری خود را اصلاح نماید. البته این خود به موجودی اولیه سرمایه انسانی بستگی دارد، به این معنا که لازم است سطح سرمایه انسانی از یک حد آستانه‌ای^۳ فراتر باشد.

در بخش‌های قبل بیان شد که رابطه‌ای دو طرفه بین درآمد و سرمایه انسانی وجود دارد. اگر یک طرف این رابطه را در نظر بگیریم، باید بگوییم که هر چه سرمایه انسانی در کشوری بالاتر باشد، بهره‌وری و در نتیجه، درآمدزایی بالاتر خواهد بود. تحقیقی که توسط ساخارپلس^۴ (۱۹۸۵، ص ۴-۲۱) و اسکالتز^۵ (۱۹۸۸، ص ۱۰-۲۲) انجام شد، نه تنها این مطلب را تأیید می‌کند؛ بلکه نشان می‌دهد که میزان درآمدی که به دلیل سرمایه‌گذاری در شاخص‌های توسعه انسانی به دست می‌آید، در کشورهای در حال توسعه دوبرابر کشورهای توسعه یافته است؛ یعنی تأثیر تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی در بهبود وضع اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است.

بخش دیگر سرمایه انسانی، وضعیت سلامت و تغذیه کشور است. در این‌باره، تحقیق استراس و توماس^۶ (۱۹۹۵، ص ۱۰-۱۹) به روشنی نشان می‌دهد که این دو عامل از مؤلفه‌های اصلی و تأثیرگذار بر بهره‌وری، درآمد و کاهش فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه است.

همچنین استراس و توماس (۱۹۷۵، ص ۱۰-۲۰) نشان می‌دهند که ابعاد گوناگون سلامت، دستمزد زن‌ها و مردها را در برزیل تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، این

1. Ljungqvist

3. threshold level

5. Schultz

2. Azariadis & Drazen

4. Psacharopoulos

6. Strauss & Thomas

پژوهش وجود رابطه بین سلامت افراد، به عنوان یک شاخص توسعه انسانی و میزان درآمد آنها را اثبات می‌کند.

کلمبی و ترمبلی^۱ (۲۰۰۰، ص ۱۳-۲۳) بیان می‌کنند که افزایش در تولید سرانه و کاهش فقر در کانادا در دوره ۱۹۵۱-۱۹۹۶ به دلیل افزایش شاخص‌های توسعه انسانی بوده است. یکی از شاخص‌های مهمی که در این تحقیق برای توسعه انسانی مطرح می‌شود، درصدی از افراد است که حداقل یک مدرک دانشگاهی دارند.

دائو^۲ (۲۰۰۴، ص ۱۴-۲۰) به بررسی تأثیر افزایش آموزش و بهره‌وری کارگران بخش کشاورزی در کاهش فقر و نابرابری در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. شاخصی که دائو در تحلیل خود در نظر می‌گیرد، میزان افزایش سرمایه فیزیکی و همچنین میزان آموزش‌هایی است که هر کارگر دیده است.

نهایتاً آنکه بارو^۳ (۲۰۰۴، ص ۱۴-۲۰) با استفاده از اطلاعات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که رابطه محدودی بین نابرابری درآمدی و نرخ رشد و سرمایه‌گذاری وجود دارد.

در ایران نیز مطالعاتی درباره فقر و نابرابری صورت گرفته است. طیبیان و سوری (۱۳۷۶، ص ۶-۱۳) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل رگرسیونی خطی نشان دادند که میزان فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ رابطه‌ای منفی با سطح تولید در بخش‌های اقتصادی داشته است. میزان تولید انجام شده نیز به تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش و سلامت می‌انجامد. علاوه بر این، بیکاری و نرخ واقعی ارز نیز به ترتیب دارای رابطه‌ای مثبت و منفی با حجم و شدت فقر در کشور بوده است.

نیلی (۱۳۷۵، ص ۳-۲۰) در مطالعه خود با استفاده از یک مدل رگرسیونی پروبیت، به بررسی شدت تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر فقر در ایران پرداخته و در نهایت نشان می‌دهد که چهار عامل وضعیت جمعیتی خانوار، وضعیت اشتغال خانوار، سرمایه انسانی و سرمایه‌های فیزیکی خانوار، در مجموع، نزدیک به ۹۰ درصد از فقر موجود در خانوارهای ایرانی را توضیح می‌دهند.

در این بخش از مقاله، تأثیر شاخص‌های سرمایه انسانی بر فقر و توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، با استفاده از تئوری‌های اقتصاد خرد در حوزه

1. Coulombe & Tremblay

2. Dao

3. Barro

توسعه (که بیان می‌دارد که رابطه دوطرفه بین درآمد و سرمایه انسانی ممکن است به فقر و نابرابری بینجامد)، به بررسی تجربی در کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌پردازیم. فرضیه مطرح آن است که فقر در کشورهای اسلامی که عموماً نیز در حال توسعه می‌باشد، تابعی از عوامل زیر است: امید به زندگی در هنگام تولد، تولید سرانه داخلی، درصدی از کودکان که توسط پرسنل بهداشتی ماهر به دنیا می‌آیند، نرخ باسوادی بزرگسالان و میزان شیوع سوء تغذیه در میان کودکان. در تخمین تجربی مدل، از اطلاعات ۳۷ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی استفاده شده است. فرضیه دیگر، آن است که نابرابری درآمدی در کشورهای اسلامی، به خاطر عوامل بیان شده و میزان تکمیل دوره ابتدایی و همچنین نرخ مرگ و میر کودکان است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که گرچه درآمد به صورت مستقیم جزء مؤلفه‌های سرمایه انسانی به حساب نمی‌آید؛ اما توانایی آن را دارد که مؤلفه‌های سرمایه انسانی را تقویت کند و به صورت غیر مستقیم به تقویت سرمایه انسانی بینجامد. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت هر چه درآمد افراد بیشتر باشد، تقاضایشان برای مؤلفه‌های سرمایه انسانی بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر، هر چه مؤلفه‌های سرمایه انسانی در جامعه قوی‌تر باشد، درآمدزایی افراد در آن جامعه بیشتر است. بنابراین، در مدل آماری (که در ادامه ارائه می‌شود)، درآمد به عنوان یک متغیر توضیحی وارد شده است؛ اما باید توجه داشت که بین این دو عامل (درآمد و مؤلفه‌های سرمایه انسانی) رابطه‌ای دوطرفه وجود دارد. برای حذف تورش همزمانی^۱ که خود به دلیل وجود چنین رابطه دوطرفه‌ای به وجود می‌آید، متغیرهای برهم‌کنش^۲ به مدل اضافه شده است. اضافه کردن چنین متغیرهایی، نتایج آماری به دست آمده را تقویت می‌کند.^۳

قبل از ارائه مدل، می‌توان تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در این تحقیق را برای سنجش سرمایه انسانی در جدول زیر خلاصه کرد:

1. simultaneity bias

2. interaction variables

۳. توجه شود که در اقتصادسنجی، متغیر برهم‌کنش متغیری است که از حاصل ضرب دو متغیر دیگر تشکیل شده و معمولاً به منظور افزایش توضیح‌دهندگی مدل آماری به کار می‌رود. برای دستیابی به جزئیات بیشتر در رابطه با متغیرهای توضیحی و نحوه استفاده از آنها به منبع زیر مراجعه شود: (Chattefuee, S. & Hadi, A. (2006).

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	
درصد دانش‌آموزانی که دوره ابتدایی را شروع کرده و آن را با موفقیت به پایان رسانده‌اند	آموزش	سرمایه انسانی
نرخ باسوادی بزرگسالان		
امید به زندگی در هنگام تولد	سلامت	
میزان مرگ و میر کودکان		
میزان شیوع سوء تغذیه در میان کودکان		
درصدی از کودکان که توسط پرسنل بهداشتی ماهر به دنیا می‌آیند		
تولید سرانه داخلی بر اساس برابری قدرت خرید	درآمد	

الگوی آماری

اگر فرض کنیم که در کشورهای اسلامی، مؤلفه‌های سرمایه انسانی به صورت خطی بر فقر تأثیر می‌گذارد، می‌توان مدل آماری به صورت زیر ارائه کرد:

$$P = \beta_0 + \beta_1 LE + \beta_2 GNI + \beta_3 SB + \beta_4 AL + \beta_5 MN + \varepsilon$$

(-) (-) (-) (-) (+)

در این معادله، P بیان‌کننده فقر است و به صورت درصدی از جمعیت تعریف می‌شود که زیر خط فقر (درآمد کمتر از یک دلار در روز) زندگی می‌کنند. این متغیر با توجه به میانگین آمار دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۶ تعیین می‌شود. LE امید به زندگی در هنگام تولد (بر اساس سال) را برای جنس مذکر در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. GNI درآمد ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۷ است. SB میانگین تعداد زایمان‌هایی می‌باشد که در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۷ توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام شده است. در واقع، از میانگین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ استفاده شده است. AL بیان‌کننده نرخ باسوادی بزرگسالان است و به صورت درصد افراد بالای ۱۵ سال تعریف می‌شود که توانایی خواندن و نوشتن دارند. البته در مدل ما، از آمار مرتبط با این

1. poverty
2. life expectancy at birth
3. per capita national income (PPP)
4. the percentage of births attended by skilled health staff
5. adult literacy

شاخص در سال ۲۰۰۵ استفاده شده است. ^۱MN سوء تغذیه کودکان است و منظور از آن، درصدی از کودکان زیر پنج سال می‌باشد که وزنشان در مقایسه با سنشان، با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی کم است. این متغیر با توجه به آمار دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۶ تعیین می‌شود.

در رابطه با متغیر اول، یعنی امید به زندگی در هنگام تولد (LE)، انتظار می‌رود که هر چه تعداد سال‌های امید به زندگی در هنگام تولد در یک کشور بیشتر باشد، وضعیت فقر در کشور کمتر باشد. دلیل این امر آن است که بالا بودن سال‌های امید به زندگی می‌تواند علامتی از شرایط مناسب اقتصادی در کشور تلقی شود؛ بنابراین، انتظار می‌رود که تأثیر این متغیر بر فقر منفی باشد.

در مورد متغیر دوم، یعنی درآمد ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (GNI)، می‌توان گفت که انتظار آن وجود دارد که این متغیر به صورت منفی بر فقر تأثیر داشته باشد؛ چرا که گرچه سطح میانگین درآمدی در یک کشور اسلامی الزاماً نشان‌دهنده میزان متوسط رفاه افراد نیست (زیرا ممکن است نابرابری شدید بین طبقات گوناگون درآمدی وجود داشته باشد)؛ اما به هر حال، معمولاً وقتی یک اقتصاد رشد می‌کند، میزان فقر کم می‌شود. علت آن نیز اثر سرریزی^۲ است که در ادبیات اقتصادی به آن پرداخته شده است.

درباره متغیر توضیحی سوم (SB)، انتظار آن وجود دارد که این متغیر با علامت منفی بر فقر تأثیر داشته باشد. این متغیر می‌تواند به عنوان شاخصی مناسب برای ارزیابی نظام سلامت^۳ جوامع اسلامی و به عنوان شاخص سرمایه انسانی در نظر گرفته شود. همچنین بالا رفتن این متغیر، میزان مرگ و میر مادران و کودکان را کاهش می‌دهد. دائو (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که کاهش مرگ و میر نوزادان در کشورهای در حال توسعه به کاهش نرخ باروری می‌انجامد که این خود بر سلامت مادران تأثیر مثبت داشته و به کاهش فقر خانوار می‌انجامد. بنابراین، منطقی است که این متغیر با علامت منفی بر فقر تأثیر داشته باشد.

این انتظار هست که متغیر توضیحی چهارم (AL) نیز با علامت منفی بر فقر اثر کند؛ چرا که هر چه نرخ باسوادی بزرگسالان بیشتر باشد، سرمایه انسانی در این افراد

1. malnutrition
2. trickle down effect
3. health system

قوی تر است و امید آن وجود دارد که امکان درآمدزایی بیشتری برایشان در حال و آینده فراهم آید.

آخرین متغیر توضیحی در مدل، سوء تغذیه (MN) کودکان است. این متغیر، به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام سلامت جامعه و در نتیجه، یکی از مؤلفه‌های سرمایه انسانی مطرح می‌باشد. شاخص مورد استفاده برای سنجش این متغیر، درصدی از کودکان زیر پنج سال که وزنشان در مقایسه با سنشان، با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی، کم است. توجه داریم که بر اساس اطلاعات سازمان تجارت جهانی (WHO)، رایج‌ترین شاخص برای سنجش متغیر سوء تغذیه کودکان، درصدی از کودکان است که کمبود وزن دارند. یافته‌های این سازمان نشان می‌دهد که حتی کمبود وزن به میزان کمش نیز احتمال مرگ کودکان را افزایش داده و توسعه شناختی^۱ کودکان را با مشکل روبه‌رو می‌کند. از این نکته نیز غافل نشویم که مشکل سوء تغذیه از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد، به این معنا که مادرانی که از سوء تغذیه رنج می‌برند، معمولاً کودکانی با کمبود وزن به دنیا می‌آورند. این خود به تقویت دور تسلسل فقر^۲ در کشورهای اسلامی می‌انجامد. با توجه به آنچه که مطرح شد، این نتیجه طبیعی به دست می‌آید که ضریب متغیر سوء تغذیه کودکان در مدل آماری مطرح شده، مثبت است؛ یعنی هر چه سوء تغذیه کودکان افزایش یابد، افراد بیشتری به زیر خط فقر منتقل خواهند شد.

فرضیه دومی که در بالا مطرح شد، تأثیر این متغیرهای توضیحی را بر روی نابرابری درآمدی در میان کشورهای اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. بدین منظور، از آمار کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی استفاده شده است. اگر در این مدل نیز فرض کنیم که متغیرهای توضیحی به صورت خطی بر نابرابری درآمدی تأثیر دارد، آنگاه می‌توان مدل آماری زیر را مطرح کرد:

$$IN = \beta_0 + \beta_1 LE + \beta_2 GNI + \beta_3 SB + \beta_4 AL + \beta_5 MN + \beta_6 IM + \beta_7 SC + \varepsilon$$

(-) (-) (-) (-) (+) (+) (-)

در این مدل نابرابری درآمدی که با ضریب جینی سنجیده می‌شود، با IN نشان داده شده است. IM مرگ و میر کودکان را نشان می‌دهد و شاخصی که برای اندازه‌گیری‌اش استفاده

1. cognitive development
2. vicious circle of poverty

شده است، میزان مرگ و میر کودکان زیر ۱۲ ماه، به ازای هر ۱۰۰۰ کودکی است که در سال ۲۰۰۵ زنده به دنیا می‌آمد. ^۱SC درصد دانش‌آموزانی است که در سال ۲۰۰۶ دوره ابتدایی را با موفقیت به پایان رسانده‌اند. بقیه متغیرهای توضیحی قبلاً توضیح داده شد.

انتظار آن وجود دارد که تمامی متغیرهای توضیحی، نابرابری درآمدی را به همان صورتی تحت تأثیر قرار دهند که فقر را تحت تأثیر قرار می‌دادند. علاوه بر این، انتظار آن وجود دارد که با افزایش مرگ و میر کودکان در کشور اسلامی، میزان باروری نیز افزایش یابد، که این خود به افزایش نابرابری درآمدی می‌انجامد؛ زیرا در کشورهای در حال توسعه معمولاً خانواده‌های فقیر نرخ باروری بالاتری دارند؛ یعنی تعداد فرزندان در خانواده‌های فقیر بیشتر از خانواده‌های ثروتمند است. بنابراین، با افزایش نرخ باروری در کل کشور، تعداد فرزندان خانواده‌های فقیر بیش از خانواده‌های ثروتمند افزایش یافته و این خود هزینه‌های بیشتری را به خانواده‌های فقیر تحمیل می‌کند، که نتیجه طبیعی آن، تقویت شکاف فقیر و ثروتمند در این کشورهاست. از طرف دیگر، هر چه تعداد افرادی که دوره ابتدایی را با موفقیت به اتمام می‌رسانند، بیشتر شود، میزان سرمایه انسانی بالاتر رفته و احتمالاً میزان نابرابری درآمدی در آینده کمتر خواهد شد.

همان‌گونه که مطالعات باردهن^۲ و آدری^۳ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد، فقر پدیده‌ای است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه وجود دارد و در بسیاری از موارد با نابرابری درآمدی نیز همراه است. در این کشورها، در بعضی از موارد، شاهد ایجاد دام فقر^۴ هستیم، به این معنا که در این کشورها ثروتمندان به دلیل قدرت مالی‌ای که دارند، بیشتر در سرمایه انسانی (مانند آموزش) سرمایه‌گذاری می‌کنند و در نتیجه این سرمایه‌گذاری در آینده درآمد بیشتری به دست خواهند آورد، پس ثروتمندتر می‌شوند؛ اما در مقابل، فقیران در آینده همچنان فقیر باقی خواهند ماند؛ چرا که امکان سرمایه‌گذاری در مباحث سرمایه انسانی را نداشته و درآمدی که در آینده به دست خواهند آورد، کم خواهد بود. بنابراین، فاصله بین فقیر و ثروتمند همچنان ادامه خواهد یافت. برای دستیابی به رابطه دوطرفه بین سرمایه انسانی و درآمد (که در آن سرمایه انسانی بیشتر درآمد بالاتر را به همراه داشته و درآمد بالاتر نیز سرمایه انسانی را تقویت می‌کند)، به هر دو مدل فقر و نابرابری درآمدی، متغیرهای برهم‌کنشی اضافه شد.

1. school completion

2. Bardhan

3. Udry

4. poverty trap

آمار و اطلاعات

قبل از آنکه به بررسی نتایج تجربی مدل پردازیم، باید بگوییم که آمار مربوط با تمامی متغیرها از گزارش توسعه جهانی (WDR) در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ استخراج شده است. همچنین در مواردی که آمار بعضی از کشورهای اسلامی در این دو منبع وجود نداشت، از گزارش اقتصادی سالانه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۱ در سال ۲۰۰۸، که استفاده گردید، توسط سازمان کنفرانس اسلامی تهیه شده است.

نتایج تجربی

جدول ۱، تخمین‌های معادله اول را به روش حداقل مربعات و برای ۳۷ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۲ نشان می‌دهد. نیکویی برازش در اینجا مناسب است؛ چرا که ضریب تعیین تعدیل شده با ۰،۵۳۸ برابر می‌باشد. ملاحظه می‌شود که تمامی متغیرها به جز نرخ باسوادی بزرگسالان و تولید سرانه بر اساس برابری قدرت خرید، در سطح ۵ درصد معنا دارد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، به دلیل وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل، مقادیر تخمین زده شده برای باسوادی بزرگسالان و سوء تغذیه کودکان دارای علامت مورد انتظار نیست.

جدول ۱: متغیر وابسته: فقر (بدون متغیر برهم‌کنش)

متغیر توضیحی	ضرایب برآورد شده	آماره t
عرض از مبدأ	۳۹،۹۸۸	۱،۲۱۳
نرخ باسوادی بزرگسالان (AL)	۰،۳۲۶	۱،۳۴۵
سوء تغذیه کودکان (MN)	-۰،۵۹۶	*-۲،۹۷۸
امید به زندگی در هنگام تولد (LE)	-۰،۰۷۱	*-۲،۵۶۴
زایمان‌هایی که توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود (SB)	-۰،۴۸۵	*-۲،۱۸۷
درآمد ناخالص ملی (GNI)	-۰،۰۰۴	-۱،۱۳۳

توجه: * به این معناست که در سطح ۵ درصد معنادار است.

$$R^2 = 0,538$$

1. annual economic report on the OIC countries

۲. نمونه مورد استفاده در این تحقیق که از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی انتخاب شده، شامل ۳۷ کشور اسلامی زیر می‌شود:

آلبانی، الجزیره، آذربایجان، امارات، بنگلادش، بنین، برکینا فاسو، چاد، ساحل عاج، مصر، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، گینه، اندونزی، ایران، قزاقستان، لبنان، مالزی، مالی، موریتانی، مراکش، موزامبیک، نیجر، نیجریه، پاکستان، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، سنگاپور، سودان، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ازبکستان، یمن و لیبی.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول می‌توان گفت که در صورت ثابت بودن عوامل دیگر، اگر امید به زندگی به اندازه یک سال افزایش یابد، درصد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۰،۰۷۱ درصد افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، اگر تعداد زایمان‌هایی که توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود، یک درصد افزایش یابد، درصد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۰،۴۸۵ درصد کاهش می‌یابد. در نهایت، با افزایش یک دلاری درآمد ناخالص ملی، درصد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۰،۰۰۴ درصد کاهش می‌یابد. البته در این مدل، متغیر مرتبط با نرخ باسوادی بزرگسالان معنادار نیست که علت آن نیز وجود هم‌خطی است.

جدول ۲، تخمین‌های معادله دوم را به روش حداقل مربعات و برای ۳۷ کشور اسلامی نشان می‌دهد. نیکویی برازش در اینجا هم مناسب است؛ چرا که ضریب تعیین تعدیل شده، با ۰،۵۶۴ برابر می‌باشد. مشاهده می‌شود که در این مدل، درآمد ملی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید، امید به زندگی، سوء تغذیه کودکان و نرخ مرگ و میر کودکان در سطح ۵ درصد معنادار هستند. علت این امر نیز هم‌خطی شدیدی است که بین متغیرهای مستقل وجود دارد. همچنین به نظر می‌رسد که به دلیل وجود هم‌خطی، علامت متغیر باسوادی بزرگسالان ناصحیح به دست آمده باشد.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول، می‌توان بیان داشت که اگر در اینجا هم عوامل دیگر ثابت باشند، افزایش امید به زندگی منجر به کاهش نابرابری می‌گردد؛ گرچه تأثیرش کم است. از طرف دیگر، افزایش تعداد زایمان‌هایی که توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود، باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود. علاوه بر این، اگر نرخ مرگ و میر کودکان افزایش یابد، انتظار آن می‌رود که وضعیت کشور اسلامی به لحاظ توزیع درآمدی بدتر شود. نهایتاً آنکه افزایش تعداد افرادی که دوره ابتدایی را با موفقیت به اتمام می‌رسانند، نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد؛ چرا که در این حالت، فرصت‌های آموزشی در اختیار بخش بیشتری از افراد جامعه قرار می‌گیرد؛ یعنی در اختیار گروهی خاص قرار ندارد.

جدول ۲: متغیر وابسته: نابرابری درآمدی (بدون متغیر برهم کنش)

متغیر توضیحی	ضرایب برآورد شده	آماره t
عرض از مبدأ	۰,۳۱۷	۱,۲۳۳
نرخ باسواد بزرگسالان (AL)	۰,۰۰۵	۱,۴۵۴
سوء تغذیه کودکان (MN)	-۰,۰۰۳	*-۲,۴۶۵
امید به زندگی در هنگام تولد (LE)	-۰,۰۰۰۸	*-۲,۵۸۷
زایمان‌هایی که توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود (SB)	-۰,۰۰۳	-۱,۴۲۴
درآمد ناخالص ملی (GNI)	-۰,۰۰۰۵	*-۲,۷۲۳
نرخ مرگ و میر کودکان (IM)	-۰,۰۰۴	*-۲,۱۶۲
میزان اتمام تحصیلات ابتدایی (SC)	-۰,۰۰۶	-۰,۸۸۳

توجه: * به این معناست که در سطح ۵ درصد معنادار است.

$$R^2 = ۰,۵۶۴$$

جدول ۳، نتایج تخمین را برای حالتی نشان می‌دهد که متغیرهای برهم کنش به مدل فقر در بین کشورهای اسلامی اضافه شده است. ملاحظه می‌شود که نیکویی برآزش در اینجا در مقایسه با مدل اولیه فقر بهبود یافته است؛ چرا که ضریب تعیین تعدیل شده با ۰,۶۱۸ برابر می‌باشد. البته در این تخمین، تمامی متغیرها در سطح ۵ درصد معنادار است.

جدول ۳: متغیر وابسته: فقر (با در نظر گرفتن متغیر برهم کنش)

متغیر توضیحی	ضرایب برآورد شده	آماره t
عرض از مبدأ	۴۱,۱۳۳	۴,۸۵۴
نرخ باسواد بزرگسالان و درآمد ناخالص ملی (AL.GNI)	-۰,۰۰۱۳	*-۲,۱۷۶
سوء تغذیه کودکان (MN)	۰,۳۸۶۷	*۲,۶۶۷
امید به زندگی در هنگام تولد (LE)	-۰,۰۳۲	*-۲,۲۶۴
زایمان‌هایی که توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود و درآمد ناخالص ملی (SB.GNI)	-۰,۰۰۰۶	*-۳,۳۲۱
امید به زندگی در هنگام تولد و درآمد ناخالص ملی (LE.GNI)	-۰,۰۰۰۲	*-۲,۵۲۲

توجه: * به این معناست که در سطح ۵ درصد معنادار است.

$$R^2 = ۰,۶۱۸$$

جدول ۴، نتایج تخمین برای حالتی را نشان می‌دهد که متغیرهای برهم‌کنش به مدل نابرابری درآمدی اضافه شده است. در این قسمت نیز ملاحظه می‌شود که اضافه کردن متغیرهای برهم‌کنش، توضیح‌دهندگی مدل را به میزان قابل توجهی بالا می‌برد؛ چرا که ضریب تعیین تعدیل شده با ۰،۶۶۳ برابر می‌باشد. گرچه علامت ضریب باسواد بزرگسالان بر خلاف انتظار ماست؛ اما متغیر برهم‌کنشی که از حاصل ضرب این متغیر و متغیر درآمد سرانه به دست می‌آید، علامت مورد انتظار را دارد و به میزان قابل توجهی معنادار است.

با توجه به اطلاعات جدول، می‌توان نتایج را تفسیر کرد. برای مثال، افزایش امید به زندگی در هنگام تولد، وضعیت نابرابری درآمدی را در کشور اسلامی بهتر می‌کند. میزان مرگ و میر کودکان نیز بر توزیع درآمد تأثیر منفی دارد؛ یعنی افزایش مرگ و میر کودکان به بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد می‌انجامد. البته این متغیر به لحاظ آماری، معناداری بالایی دارد. نهایتاً، تعداد افرادی که دوره ابتدایی را با موفقیت به اتمام می‌رسانند و متغیر برهم‌کنش آن بر درآمد سرانه، هر دو به لحاظ آماری به میزان مناسبی معنادار هستند. گرچه ضریب اولی (تعداد افرادی که دوره ابتدایی را با موفقیت به اتمام می‌رسانند) علامت مورد انتظار را ندارد.

جدول ۴: متغیر وابسته: نابرابری درآمدی (با در نظر گرفتن متغیر برهم‌کنش)

متغیر توضیحی	ضرایب برآورد شده	آماره t
عرض از مبدأ	-۰،۶۳۳	-۲،۳۸۸
نرخ باسواد بزرگسالان (AL)	۰،۰۰۳	*۲،۶۱۲
نرخ باسواد بزرگسالان و درآمد ناخالص ملی (AL.GNI)	-۰،۰۰۰۲	*۴،۵۶۷
امید به زندگی در هنگام تولد (LE)	-۰،۰۰۰۸	*۲،۴۸۲
زایمان‌هایی که توسط پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود و درآمد ناخالص ملی (SB.GNI)	-۰،۰۰۰۰۰۳	*۲،۳۴۳
درآمد ناخالص ملی (GNI)	-۰،۰۰۰۴	*۳،۴۵۶
نرخ مرگ و میر کودکان و درآمد ناخالص ملی (IM.GNI)	۰،۰۰۰۰۴	*۳،۷۸۳
میزان اتمام تحصیلات ابتدایی (SC)	۰،۰۰۶	*۲،۹۱۵
میزان اتمام تحصیلات ابتدایی و درآمد ناخالص ملی (SC.GNI)	-۰،۰۰۰۰۵	*۳،۶۶۷
نرخ مرگ و میر کودکان (IM)	۰،۰۰۴	*۴،۳۶۴

توجه: * به این معناست که در سطح ۵ درصد معنادار است.

$$R^2 = ۰،۶۶۳$$

نتیجه‌گیری

بررسی متون اسلامی در مورد فقر، نابرابری و مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش و سلامت، نشان می‌دهد که شریعت اسلام به مباحث سرمایه انسانی توجه زیادی کرده است. در واقع، احادیث بسیاری که در مذمت فقر و نابرابری اجتماعی وارد شده و همچنین روایاتی که در مورد علم آموزی و دستورات بهداشتی بیان شده، نشانگر اهمیت این مباحث در اسلام است. با توجه به تأکیدی که دین اسلام به تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی در بین مسلمانان کرده است، انتظار می‌رود که پیروی از این دستورات منجر به دستیابی به رشدی همه‌جانبه در کشورهای اسلامی شود و مسلماً یکی از این جنبه‌ها، بعد اقتصادی است، که یکی از جلوه‌های مهم آن، کاهش فقر و نابرابری در جامعه اسلامی می‌باشد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که اگر کشورهای اسلامی به مباحث سرمایه انسانی توجه کنند، می‌توانند بسیاری از مشکلاتی را که در حوزه فقر و نابرابری دارند، حل کنند. مدل تجربی ارائه شده در این مقاله نیز با استفاده از اطلاعات کشورهای اسلامی، تأثیر متغیرهای توضیحی سرمایه انسانی بر روی فقر و نابرابری درآمدی را روی نمونه‌ای منتخب از کشورهای اسلامی بررسی کرده است. نتایج این مدل نشانگر تأثیر قابل توجه و معنادار مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری است. با توجه به مطالب بیان شده، در این قسمت می‌توان توصیه‌های سیاستی زیر را به دولت‌ها در کشورهای اسلامی ارائه کرد:

۱. شریعت مقدس اسلام به مباحث سرمایه انسانی توجه کافی نموده است. روایات وارده از ائمه معصومین و همچنین سیره عملی آنان، نشان‌دهنده اهمیت این مباحث در نظام اقتصادی جامعه اسلامی است؛ بنابراین، لازم است که کشورهای اسلامی، با الگوگیری از پیشوایان خود، به مباحث سرمایه انسانی توجه بیشتری نمایند و مسلماً با انجام چنین کاری در آینده‌ای نه چندان دور می‌توانند بسیاری از مشکلاتی را که در حوزه فقر و نابرابری دارند، حل نمایند؛
۲. متون اسلامی بر علم‌آموزی تأکید فراوانی نموده‌اند. از طرف دیگر، مدل تجربی استفاده شده نیز نشان داد که در یک کشور اسلامی، افزایش نرخ باسوادی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی تأثیر دارد؛ بنابراین، لازم است که دولت‌ها در این دسته از کشورها، به آموزش بزرگسالان و همچنین کودکان توجه بیشتری کنند.

- بدین منظور، ضروری است که برنامه‌هایی برای ارائه فرصت‌های آموزشی بیشتر به تمامی اقشار جامعه، فقیر و ثروتمند، طراحی شود. گرچه برنامه‌ریزی جزئی در این حوزه، از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند؛ اما می‌توان توصیه‌هایی عمومی ارائه کرد، از جمله: بالا بردن میزان تحصیلات اجباری در کشورهای اسلامی، به گونه‌ای که تمامی کودکان به صورت قانونی مجبور باشند تا سن معینی درس بخوانند؛ تلاش برای کاهش بی‌سوادی در میان افراد سالخورده؛ ارائه خدمات تحصیلی به صورت عمومی و رایگان؛ تقویت بخش خصوصی به لحاظ مالی و قانونی به منظور ورود در حوزه آموزش و غیره؛
۳. دولت‌ها در کشورهای اسلامی باید به سلامت زنان، به طور کلی و به سلامت زنان باردار، به طور خاص، توجه بیشتری نمایند؛ چرا که همان‌طور که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، توجه بیشتر به زنان باردار به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند؛
۴. باید تلاش‌ها برای کاهش و بهبود سوء تغذیه کودکان ادامه یابد. گرچه این کار احتمال دارد که در کوتاه‌مدت به کاهش نابرابری درآمدی نینجامد، اما مسلماً در بلندمدت به کاهش فقر در کشور اسلامی کمک خواهد کرد؛
۵. باید برنامه‌هایی برای بهبود سلامت کودکان، به طور کلی و کاهش مرگ و میر نوزادان، به طور خاص، طراحی شود؛ چرا که کاهش مرگ و میر کودکان، یکی از مؤلفه‌های سرمایه انسانی است؛
۶. با توجه به تأکید اسلام به بحث آموزش و همچنین یافته‌های مقاله، به نظر می‌رسد که تقویت آموزش در دوره‌های ابتدایی، به کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای اسلامی و در نهایت، سرمایه انسانی و اقتصادی در این دسته از کشورها می‌انجامد.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 الصحيفة السجادية.
- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران.
- ابونوری، اسماعیل (۱۳۸۶)، «برآورد اثر خالص رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۳۰.
- _____ (۱۳۸۷)، شاخص‌های اقتصادی و توزیع درآمد در میان کشورهای اسلامی، ارائه شده در همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- احمد، خورشید (۱۳۷۴)، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد جواد مهدوی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اژدری، حسین (۱۳۷۶)، بررسی اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- پروین، سهیلا (۱۳۸۵)، «نقش انواع درآمدها در نابرابری توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۷۵.
- پیرایی، خسرو (۱۳۸۵)، «اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۹.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۵)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران: چاپ انصاری.
- _____ (۱۳۷۳)، غرر الحکم و درر الکلم، شرح محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران.
- چپرا، محمد عمر (۱۳۷۷)، دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۸۳)، اسلام و توسعه اقتصادی: راهبردی برای توسعه همراه با عدالت و ثبات، ترجمه محمدنقی نظرپور و سید اسحاق علوی، قم: دانشگاه مفید.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسن‌زاده، علی (۱۳۷۹)، *عوامل مؤثر بر فقر، مطالعه موردی ایران*، پایان‌نامه دوره دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- حکیمی، محمد (۱۳۷۰)، *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع)*، چ ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حکیمی، محمد؛ تقی ابراهیمی و دیگران (۱۳۸۰)، *پدیده‌شناسی فقر و توسعه*، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۴)، *الحیة*، چ ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلیلیان، محمدجمال (۱۳۸۴)، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- صدر، محمدباقر (۱۳۷۵)، *اقتصادنا*، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدیقی، محمدنجات‌الله (۱۳۸۷)، *ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام*، ترجمه حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- طیبیان، محمد و داوود، سوری (۱۳۷۶)، *برخی مباحث نظری درباره فقر*، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*، چ ۱، تهران: نشر نی.
- قمی، سفینه البحار، ج ۲.
- کلینی، یعقوب (۱۳۶۳)، *اصول کافی*، قم: نشر الاسلامیه.
- لهندی، علاء‌الدین علی الممتقی (۱۴۰۵ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۵)، *بحار الانوار*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- _____ (۱۴۰۹ق)، *بحار الانوار الجامعة لدر اخبار الائمة الاطهار*، ج ۷۲، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- _____ (۱۴۰۹هـ.ق)، *میزان الحکمة*، ج ۱۰، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *مجموعه گفتار*، چ ۱، تهران: انتشارات صدرا.
- مفضل بن عمر (۱۹۶۹)، *توحید مفضل*، قم: چ ۳، انتشارات مکتبه الداوری.
- مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۲)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نقوی، نواب حیدر (۱۳۷۸)، *اقتصاد توسعه یک الگوی جدید*، ترجمه حسن توانایان‌فرد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نیلی، فرهاد (۱۳۷۵)، «بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی سال‌های گذشته»، مجموعه مقالات اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.

هایامی، یوجیر (۱۳۸۶)، اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران: نشر نی.

یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸)، بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

Azariadis, C & Drazen, A. (1990), "Threshold Externalities in Economic Development", *Quarterly Journal of Economics*, vol.105, no.2, pp.26-501.

Bardhan, P & Udry, C. (1999), *Development Microeconomics*, Oxford University Press, Oxford.

Barro, R. J. (2000), "Inequality and Growth in a Panel of Countries", *Journal of Economic Growth*, vol.5, no.1, pp.5-32.

Becker, G. S. (1962), "Investment in Human Capital: a Theoretical Analysis", *Journal of Political Economy*, vol.70, no.5, pp.9-49.

Behrman, J. R.; Pollack, R. A & Taubman, P. (1989), "Family Resources, Family Size, and Access to Financing for College Education", *Journal of Political Economy*, vol.97, no.2, pp.398-419.

Chattefuee, S & Hadi. A. (2006), *Regression Analysis by Example*, John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey.

Coulombe, S & Tremblay, J. F. (2001), "Human Capital and Regional Convergence in Canada", *Journal of Economic Studies*, vol.28, nos2/3, pp.80-154.

Dao, M. Q. (2004), "Rural Poverty in Developing Countries: an Empirical Analysis", *Journal of Economic Studies*, vol.31, nos5/6, pp.8-500.

----- (2007), "An Empirical Analysis of Fertility in Developing Countries" (Unpublished Manuscript).

Dasgupta, P. (1993), *An Inquiry into Well-Being and Destitution*, Oxford University Press, Oxford.

- Ljungqvist, L. (1993), "Economic Underdevelopment: the Case of a Missing Market for Human Capital", *Journal of Development Economics*, vol.40, pp.39-219.
- Loury, G. (1981), "Intergenerational Transfers and the Distribution of Earnings", *Econometrica*, vol.49, no.4, pp.67-843.
- Mincer, J. (1958), "Investment in Human Capital and Personal Income Distribution", *Journal of Political Economy*, vol.66, no.4, pp.281-302.
- Psacharopoulos, G. (1985), "Returns to Education: a Further International Update and Implications", *Journal of Human Resources*, vol.20.
- Statistical, *Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries* (2008), Annual Economic Report on the OIC Countries, OIC Press.
- Schultz, T. P. (1988), "Education Investments and Returns", in *Chenery, H. and Srinivasan, T. N. (Eds), Handbook of Development Economics*, vol.1, north-Holland, Amsterdam.
- Strauss, J & Thomas, D. (1995), "Human Resources: Empirical Modeling of Household and Family Decisions", in *Behrman, J. and Srinivasan, T. N. (Eds), Handbook of Development Economics*, vol.3A, Elsevier Science, Amsterdam.
- Thomas, D & Strauss, J. (1997), "Health and Wages: Evidence on Men and Women in Urban Brazil", *Journal of Econometrics*, pp.85-159.
- World Bank (2007), *World Development Report 2008: Equity and Development*, Oxford University Press, New York, NY.
- (2008), *World Development Report 2009: Development and the Next Generation*, Oxford University Press, New York, NY.
- Yao, S.; Zhang, Z & Fang, G. (2005), "Rural-Urban Regional Inequality in Output and Consumption in China Under Economic Reform", *Journal of Economic Studies*, vol.32, no.1, pp.4-21.